

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



RAND
CORPORATION

سایه بحران خاموشی بر سر عراق

کمبود برق در عراق در حال تبدیل شدن به یک بحران است. پس از توقف صادرات برق از ایران به عراق که به دلیل عدم تمدید معافیت‌های تحریمی عراق رخ داده، تولید برق در این کشور به شدت کاهش یافته است. حالا اگر اختلالی در صادرات گاز ایران به عراق صورت بگیرد، وضعیت در عراق ممکن است بدتر از این شود. بسیاری از عراقی‌ها در حال حاضر تا شش ساعت خاموشی روزانه را تحمل می‌کنند و دسترسی محدودی به ژنراتورهای خصوصی دارند. وزارت برق عراق، قطعی برق را به ترکیبی از عوامل، از جمله کمبود سوخت، وخامت زیرساخت‌های برق و مصرف بیش از حد، نسبت داده است. اما انقضای معافیت تحریم‌های ایالات متحده در ماه مارس که به عراق اجازه واردات برق ایران را داده بود نیز با قطع دسترسی عراق به این منابع ایرانی، بحران را تشدید کرده است. در ۸ مارس، دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، معافیتی را که به عراق اجازه می‌داد مستقیماً برق ایران را بدون اعمال تحریم‌های ایالات متحده خریداری کند، تمدید نکرد. این تصمیم بخشی از کمپین «فشار حداکثری» کاخ سفید علیه ایران بود که با هدف وادار کردن تهران به شرکت در مذاکرات هسته‌ای انجام می‌شد. از دست دادن واردات مستقیم برق ایران پس از انقضای معافیت تحریم‌های ایالات متحده، عراق را مجبور کرده است که در ماه‌های اخیر به دنبال تأمین کنندگان جایگزین باشد. با وجود افزایش ظرفیت تولید برق، عراق به اندازه کافی برق برای تأمین تقاضای داخلی تولید نمی‌کند؛ به‌ویژه در زمان‌های اوج مصرف، مانند ماه‌های گرم تابستان که نیاز به سرمایش و تهویه مطبوع افزایش می‌یابد. کمبود برق با زیرساخت‌های ناکارآمد عراق که بخش قابل توجهی از برق تولید شده را از دست می‌دهد، بدتر هم می‌شود. این امر عراق را به واردات برق متکی کرده است که از نظر تاریخی از ایران، ترکیه و سایر کشورهای منطقه تأمین می‌شده است. پیش از انقضای معافیت تحریم‌های ایالات متحده که به عراق اجازه واردات برق ایران را می‌داد، السودانی از ایالات متحده درخواست تمدید کرده بود و استدلال می‌کرد که کشورش برای تغییر تدریجی به منابع انرژی جایگزین و ایجاد ظرفیت تولید برق داخلی خود به زمان بیشتری نیاز دارد. با وجود سرمایه‌گذاری‌های دولتی، بخش برق عراق با چالش‌های قابل توجهی روبه‌رو است. فساد و شبکه انتقال ناکارآمد مانع از تأمین برق شده و در نتیجه این کشور تنها کسری از ظرفیت بالقوه خود را تولید می‌کند. هرگونه اختلال در دسترسی عراق به واردات گاز ایران می‌تواند منجر به خاموشی‌های عمیق‌تر در ماه‌های آینده شود و اعتراضات ضددولتی بزرگ‌تر - و احتمالاً خشونت‌آمیزتر و مخرب‌تر - را دامن بزند. علاوه بر این، اگر این کشور دسترسی خود را به منابع گاز طبیعی ایران نیز از دست بدهد، بحران برق عراق می‌تواند به شدت بدتر شود، که طبق برخی تخمین‌ها، تا ۴۰ درصد از برق عراق به واردات گاز وابسته است. دو سناریو برای وقوع این اتفاق وجود دارد. در حالت اول، دولت ترامپ معافیت تحریم‌هایی را که در حال حاضر به عراق اجازه می‌دهد مستقیماً گاز ایران را خریداری کند، لغو می‌کند تا فشار بر ایران را برای ورود مجدد به مذاکرات هسته‌ای افزایش دهد (معافیتی که در ماه مارس منقضی شد، فقط برای واردات مستقیم برق عراق از ایران اعمال می‌شد، نه گاز). در حالت دوم، کمبود انرژی ایران را مجبور به کاهش یا توقف صادرات گاز به عراق می‌کند. با توجه به علاقه اعلام شده ترامپ به از سرگیری مذاکرات هسته‌ای با ایران و اقدامات مکرر گذشته ایران در کاهش صادرات گاز به عراق برای تأمین تقاضای داخلی، همانطور که اخیراً در اوایل این ماه انجام شد، هر دو سناریو در ماه‌های آینده محتمل هستند. در هر دو صورت، از دست دادن منابع حیاتی گاز ایران، کمبود برق عراق را به شدت تشدید می‌کند و به احتمال زیاد منجر به خاموشی‌های طولانی‌مدت برق می‌شود که برق عراقی‌ها را به چند ساعت در روز محدود می‌کند. در نتیجه، اعتراضاتی که در هفته‌های اخیر دیده شده است، احتمالاً از نظر اندازه و دامنه افزایش می‌یابد، زیرا خاموشی‌های روزانه فعلی، احساسات ضددولتی را برانگیخته است. . خشم فزاینده عراقی‌ها از دولت‌شان و ناتوانی آن در ارائه خدمات اولیه، احتمالاً پیش از انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۲۵ این کشور به مسائل برجسته‌ای تبدیل خواهد شد. با این حال، دولت‌های عراق با همان چالش‌های زیرساختی و فساد در رسیدگی به این مسائل روبه‌رو خواهد بود و تغییر کوتاه‌مدت را بعید می‌سازد.

عکس: Reuters

منافع جنگ برای نتانیاهو

چرا نخست‌وزیر اسرائیل ترجیح می‌دهد جنگ ادامه پیدا کند و در منطقه گسترده‌تر شود؟



شهاب شهبازی
خبرنگار گروه دیپلماسی

درست ساعاتی پیش از تجاوز نظامی اسرائیل به ایران، روز پنج‌شنبه ۱۲ ژوئن، احزاب مخالف بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اسرائیل، فرصتی کم‌نظیر برای سرنگونی دولت او و برگزاری انتخابات زودهنگام به دست آورد بودند. ناراضیانی احزاب مذهبی اردوکس عضو ائتلاف حاکم از تصمیم جدید دولت برای وضع جریمه برای طلاب مذهبی که از سربازی اجباری سر باز بزنند، باعث شده بود تا اکثریت کافی برای رای عدم اعتماد به دولت نتانیاهو به دست بیاید. بر اساس توافق تشکیل ائتلاف راست‌گرایی مذهبی نتانیاهو، دو حزب شاس و اتحاد یهودیت توراتی به شرطی به

این ائتلاف پیوسته بودند که طلاب مذهبی و یهودیان حریدی از خدمت اجباری سربازی معاف باقی بمانند و این موضوع در قانون نهادینه شود اما با استمرار جنگ غزه و فرسودگی بیش از پیش ارتش اسرائیل، دولت نتانیاهو و ستاد ارتش او مجبور شدند دست به دامن قانون جدیدی برای فراخواندن طلاب مذهبی به خدمت سربازی شوند. این اقدام باعث شد تا اتحاد یهودیان توراتی از ائتلاف کناره‌گیری کند و نمایندگان حزب شاس آماده شوند تا به دولت نتانیاهو رای عدم اعتماد دهند.

در حالی که احزاب اپوزیسیون آماده می‌شدند تا با رای‌گیری در کنست، دولت نتانیاهو سقوط کند و با انحلال کنست انتخابات زودهنگام برگزار شود، ناگهان همه چیز تغییر کرد. از میان ۱۸ عضو احزاب مذهبی در کنست، ۱۶ نفر به نتانیاهو رای اعتماد دادند و ساعاتی بعد تجاوز علیه ایران آغاز شد. جنگ علیه ایران نه تنها نتانیاهو را از سقوط دولتش نجات داد، بلکه باعث شد ۶ ماه

دوره تنفس اضافه پیدا کند، چراکه بر اساس قانون اسرائیل پس از شکست یک درخواست رای عدم اعتماد، تا ۶ ماه امکان درخواست رای عدم اعتماد به دولت وجود ندارد. چهارشنبه هفته گذشته نیز زمانی که بیماران دمشق به بهانه حمایت از دروزی‌ها در استان سویدا توسط

اسرائیل آغاز شد، نتانیاهو در جلسه بازجویی در پرونده فساد نشست‌بهد. آغاز بمباران دمشق باعث شد که نتانیاهو بتواند جلسه را نیمه‌کاره رها کند و فرآیند رسیدگی به پرونده فساد او که بیش از ۵ سال است ادامه دارد، بار دیگر برای مدتی نامعلوم به تاخیر بیفتد.

نیویورک‌تایمز می‌نویسد: «نتانیاهو ائتلافی شکننده را رهبری می‌کند که وزرای راست افراطی آن خواهان اشغال غزه هستند و نه عقب‌نشینی از آن. آنها جنگ طولانی‌مدتی می‌خواهند که نهایتاً اجازه بدهد اسرائیل شهرک‌های یهودی‌نشین را در غزه بسازد. اگر آتش‌بس زودتر از زمان مورد نظر آنها برقرار شود، ممکن است تصمیم بگیرند ائتلاف حاکم را سرنگون کنند. چنین اقدامی باعث برگزاری انتخابات زودهنگام خواهد شد که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد با شکست نتانیاهو همراه خواهد شد. نتانیاهو بیرون از دولت بسیار آسیب‌پذیر است. از سال ۲۰۲۰ تاکنون روند رسیدگی قضایی به

مسئله نتانیاهو نیست بلکه صهیونیسم است

بلکه خواستار تشدید آن هستند؟

امروز در اسرائیل مسئله اصلی اخلاقی بودن جنگ نیست، بلکه مسئله اصلی این است که بار نبرد باید بر دوش چه کسی باشد. امروز در اسرائیل بحث اصلی در مورد سربازگیری از میان یهودیان اردوکس است که تاکنون از خدمت سربازی معاف بودند و می‌خواستند این معافیت در قانون لحاظ شود. اکثریت سکولاری و ملی-مذهبی در اسرائیل خواستار «عدالت در از خودگذشتگی» هستند و معتقدند که جنگ باید ادامه پیدا کند. وقتی حزب فوق مذهبی اشکنازی اتحاد یهودیت توراتی اعلام کرد که از ائتلاف حاکم کناره‌گیری می‌کند، اعتراض به جنگ نبود، بلکه اعتراض آنها به این بود که چه کسی باید در جنگ مشارکت کند. این شکل از تقلیل دادن جنگ به شخص نتانیاهو در شرایطی رخ می‌دهد که اعتراض‌های بین‌المللی به نسل‌کشی در غزه در حال افزایش است. همزمان اسرائیلی‌هایی که به خارج سفر می‌کنند، برای نخستین بار در زندگی‌شان با انتقادهای خارج مواجه می‌شوند اما برای بسیاری از آنها مشکل ناشی از رویدادهایی نیست که در غزه واقع می‌شود، بلکه انتقادهای ناشی از یهودستیزی چه در غرب و چه در شرق است. از دیدگاه آنها جهان علیه آنها بسیج شده است و نیازی نمی‌بینند که در رفتار خودشان تجدیدنظر کنند. نتانیاهو که بخش بزرگی از زندگی‌اش را در آمریکا گذرانده است، به خوبی زیر و بم سیاست را در آمریکا می‌شناسد. وقتی نتانیاهو می‌گوید که جنگ غزه «به اهدافش نرسیده است» منظورش اشاره به شرایط میدانی نیست، بلکه مقصودش شرایط خودش در نظرسنجی‌ها



عابد ابوشهاده

فعال سیاسی فلسطینی
ساکن فلسطین

به‌تازگی روزنامه نیویورک‌تایمز در یک گزارش بلند، تحلیلی از نسل‌کشی در غزه ارائه داده است. ادعای اصلی نویسندگان این مقاله این است که دلیل استمرار جنگ منافع شخصی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل برای باقی ماندن در قدرت است. با توجه به پرونده جاری فساد نتانیاهو و آسیبی که شکست در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ به اعتبار او وارد کرد، این ادعا کاملاً معتبر به نظر می‌رسد. براساس مقاله نیویورک‌تایمز روند وقایع باعث شد تا نتانیاهو جنگ را به عنوان ابزاری برای حفاظت از زندگی سیاسی خودش طولانی کند اما این ادعا و استدلال که در بین محافل صهیونیست لیبرال بسیار رایج است، به شکل خطرناکی فجایع غزه را به جابه‌طلبی‌های یک فرد تقلیل می‌دهد. این شیوه استدلال حمایت افکار عمومی در اسرائیل از نسل‌کشی در غزه و حملات دیگر اسرائیل را در سراسر منطقه نادیده می‌گیرد. اقدام‌های اسرائیل، به‌ویژه اقدام‌های اخیر در چارچوب خشونت‌های قومی در سوریه، فقط در قالب یک نیروی امپریالیستی که قصد دارد اراده خود را از طریق، ارباب و تهدید اشغال اراضی در منطقه تحمیل کند، قابل فهم است. این استدلال مسئله‌ای عمیق را نادیده می‌گیرد: چرا بعد از نزدیک به دو سال پخش تصاویر دهشتناک از نسل‌کشی در غزه، افکار عمومی اسرائیل نه تنها از جنگ حمایت می‌کنند

است. حمله‌های اخیر به ایران، به رغم اینکه هیچ دستاورد استراتژیکی نداشت، جایگاه محبوبیت او را بهبود داده است. بدتر از همه اینکه هم متحدان نتانیاهو و هم افراد به اصطلاح اپوزیسیون آنقدر ادبیات مرتبط با نسل‌کشی را عادی‌سازی کرده‌اند که به ادبیات جریان اصلی در اسرائیل بدل شده است. بر اساس تازه‌ترین نظرسنجی‌ها ۸۲ درصد از جمعیت اسرائیل از جابه‌جایی (اخراج) جمعیت غزه حمایت می‌کنند. در فقدان هیچ کشوری که حاضر باشد این آوارگان را بپذیرد، نتیجه بالفعل این رفتار ایجاد اردوگاه‌های جمع‌آوری آوارگان در غزه است. در چنین شرایطی هر صحبتی از آتش‌بس پوچ است. اسرائیل به حماس و دیگران نشان داده است که به هیچ توافقی پایبند نیست، نه در غزه، نه در لبنان و نه در سوریه. دیپلماسی اسرائیل از اساس بر منای قدرت نظامی و توانایی یکجانبه خلف وعده بنا شده است. همزمان با اینکه شاهد هستیم افکار عمومی اسرائیل روز به روز نسبت به جنگ غزه حساس‌تر می‌شوند و نگرانی‌ها نسبت به سرنوشت اس‌را در غزه و افزایش تلفات نظامیان افزایش پیدا کرده است، اما می‌بینیم که هیچ‌کس در اسرائیل استراتژی‌های وحشیانه به کار گرفته‌شده در جنگ را، از جمله تلاش برای محبوس کردن میلیون‌ها فلسطینی در سرزمینی به ابعاد یک‌چهارم کل غزه، محکوم نمی‌کند. امروز شاهد بحث‌های علنی در اسرائیل در خصوص استفاده از نقشه «ژنرال» تدوین شده توسط گیورا ایلاند، ژنرال اسرائیلی هستیم که به صورت مشخص پیشنهاد می‌داد از قحطی و گرسنگی به عنوان ابزاری برای جابه‌جایی اجباری جمعیت استفاده شود.